

گفت‌وگو

سفیر اسبق ایران در نروژ:

پافشاری اروپایی‌ها بیش از این ادامه یابد ایران محکم‌تر از قبل گام سوم را برمی‌دارد



محمد جعفری
روزنامه‌نگار

که آورد مالی قابل قبولی داشته باشد و بتواند بخشی از مشکلات کشور را حل کند.» وی افزود: «مدتی بود اروپایی‌ها با رقم‌های کمی که بیشتر جنبه کمک به واردات دارو و مواد غذایی داشت تلاش داشتند ایران را ترغیب کنند تا دست به اقدامات تهدید کننده برجام نزنند و به‌طور کامل در توافق هسته‌ای بماند.» فرجی‌راد ادامه داد: «با این حال موضع طرف ایرانی از ابتدا مشخص بود و همان‌طور که بارها اعلام شده ما کارکردی از اینستکس را قبول داریم که این کارکرد بتواند بخشی از مشکلات ما را حل و کسری بودجه سالیانه کشور را تأمین کند. موضوعی که بعد از چانه‌زنی‌های فراوان باعث شد آنها پیشنهاد خریداری حدود یک‌سوم صادرات نفتی ایران را ارائه دهند.» این کارشناس مسائل ژئوپلیتیک در توضیح دیگر اجزای بسته پیشنهادی فرانسه خاطرنشان کرد: «درنهایت اروپایی‌ها اعتباری را –برای پیش خرید نفت- به ایران عرضه کردند؛ اعتباری ۱۵ میلیارد دلاری که در چند نوبت در قالب اینستکس به ایران پرداخت شود.» وی با تأکید بر آنکه رقم ۱۵ میلیارد دلاری با این کیفیت مورد قبول ایران نیست و تهران تضمینی می‌خواهد که اولا مبادلات مستمر باشد و ثانیاً رقم بالاتری از این میزان باشد. فرجی‌راد با اشاره به مذاکرات فشرده مکرون با روحانی در چهار دور مکالمه تلفنی ادامه داد: «مکرون آمریکایی‌ها را در جریان امر می‌گذارد و وقتی آنها در جریان جزئیات باشند و مزاحمتی در فرآیند مذاکرات ایجاد نکنند، کار می‌تواند رو به جلو پیش رود.» سفیر اسبق ایران در نروژ یادآور شد: «دامنه پیشنهادهای ایران علاوه‌بر رقم بالای ۱۵ میلیارد دلار و استمرار و غیرموقتی بودن مبادلات با اروپا، مواردی چون عادی‌سازی مرادوات بانکی و نفتی و انتقال پول، عدم مزاحمت آمریکایی‌ها و مقاومت اروپایی‌ها در مقابل فشارهای احتمالی آمریکا و... را نیز دربر می‌گیرد.» وی افزود: «مبتنی بر این مذاکرات، امیدواری‌هایی در دو طرف ایجاد شده و جمع‌بندی مذاکرات چندان منفی نیست و می‌توان این‌طور متصور بود که احتمال شکست یا موفقیت مذاکرات ۵۰-۵۰ است.» فرجی‌راد اضافه کرد: «به‌طور طبیعی اگر دو طرف به توافق نرسند و اروپایی‌ها همچنان بر مطالبات پیشین خود پافشاری کنند ایران نیز خیلی محکم وارد فاز سوم می‌شود و به‌طور حتم ایران در گام سوم غنی‌سازی بیشتری را در دستورکار قرار خواهد داد» و وضعیتی که بدترین سناریو برای اروپایی‌هاست و آنها به‌هیچ‌وجه علاقه‌ای به رخ‌دادنش ندارند. «استاد ژئوپلیتیک دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات با اشاره به اصطلاحیه‌های ایران بر بسته پیشنهادی اروپا گفت: «اعمال این اصلاحات چه پیش از گام سوم اتفاق بیفتد و چه پس از آن، منافع کشور را تأمین خواهد کرد و برگ برنده‌ای برای تهران خواهد بود.»

وی افزود: «اصطلاحیه‌های موردنظر ایران در حدی است که درصورت تحقق، بخشی از مشکلات کشور را حل کند چرا که اجرای درست اینستکس آن‌طور که ایران انتظار دارد دست چین و روسیه را نیز برای خرید نفت ایران باز می‌گذارد و این موضوع ظرفیت بالاتری را برای بهبود اوضاع اقتصادی در اختیار ما قرار می‌دهد.» فرجی‌راد با اشاره به پیش‌شرط‌های طرف فرانسوی نظیر مذاکره مستقیم با ترامپ و مذاکرات موشکی و... در توضیح خطوط قرمز ایران گفت: «مکرون در دو سطح اقدام می‌کند؛ یک سطح اقدام اروپایی بود که اینستکس و فعال‌سازی آن با معیارهای موردنظر و... ازجمله آنهاست و سطح دیگر تلاش برای کاهش تنش‌ها میان ایران و آمریکا به‌ویژه در حوزه خلیج فارس است. «این کارشناس مسائل ژئوپلیتیک ادامه داد: «ما آمادگی داریم درباره برجام به‌عنوان توافقی که وجود دارد صحبت کنیم اما درباره موضوع موشکی باید گفت نه‌تنها دولتمردان ما بلکه مردم نیز هرگونه مذاکره در این خصوص را غیرعقلانی می‌دانند؛ چرا که کشور در این حوزه توان بالایی دارد و منطقی نیست وقتی مزیت رقابتی ایران نسبت به سایر کشورهای منطقه ناظر به توانمندی موشکی است، آن را به مذاکره بگذارد، لذا این چیزی است که هیچ‌کس در ایران زیر بار آن نمی‌رود.»

فرجی‌راد خاطرنشان کرد: «درخصوص مسائل منطقه نیز ما با تئورست‌ها در عراق و سوریه درگیر هستیم و آنها را شکست دادیم، لذا فرغ از آن‌یکه آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها چه می‌گویند تا وقتی که تروریسم در منطقه حضور دارد و فعال است ما نیز خواهیم بود و این دولت‌های عراق و سوریه هستند که اعلام می‌کنند تا چه زمانی به یاری مستشاران نظامی ما نیاز دارند.» وی با اشاره به موضوع مذاکره بر سر بند غروب برجام و مادام‌العمر کردن تعهدات ایران در توافق هسته‌ای که عملاً نوعی مذاکره مجدد با تکمیلی درباره برجام محسوب می‌شود، خاطرنشان کرد: «بعید است ایران زیر بار چنین محدودیتی برود و اساساً حتی درصورت احیای ۵+۱ نیز بنا نیست هرچه آنها می‌گویند مورد توافق قرار گیرد.»

این کارشناس مسائل بین‌الملل با اشاره به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا تصریح کرد: «شکست ترامپ در پرونده کره شمالی، رقابت با چین و حتی مواجهه با روسیه و ایران به‌طور حتم از سوی دموکرات‌ها مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت، لذا دولت آمریکا هم درصدد آن است تا به هر شکل ممکن دستاوردی از این مذاکرات داشته باشد تا در داخل بتواند از آن بهره انتخاباتی ببرد. در چنین شرایطی هرچه به سمت انتخابات ۲۰۲۰ می‌رویم، آمریکایی‌ها بیشتر کم می‌آورند و نسبت به قبل بیفعل‌تر می‌شوند.»

خبر

فراخوان جذب پژوهشگر در پژوهشگاه قوه قضائیه

پژوهشگاه قوه قضائیه برای بهره گیری از توان و ظرفیت استادان، دانشجویان و فارغ التحصیلان حوزه و دانشگاه با انتشار فراخوانی از پژوهشگران رشته‌های حقوق دعوت به همکاری کرد. به گزارش روابط‌عمومی پژوهشگاه قوه قضائیه، این پژوهشگاه برای بهره‌مندی از ظرفیت استادان، دانشجویان و فارغ التحصیلان حوزه و دانشگاه فراخوان همکاری منتشر کرد. در این فراخوان از پژوهشگران و متخصصان رشته‌های حقوق (گرایش‌های مختلف)، فقه و حقوق و مدیریت (دولتی، سیاست‌گذاری، منابع انسانی) به‌عنوان پژوهشگر تمام‌وقت و پاره‌وقت به‌صورت حضوری و غیرحضوری دعوت به همکاری شده است. لازم به ذکر است یکی از شرایط و معیارهای جذب، دارا بودن مدرک دکتری تخصصی در رشته‌های مورد نیاز است. دانشجویان مقطع دکتری نیز می‌توانند در این فراخوان ثبت‌نام کنند. آشنایی کامل با روش‌های تحقیق، برخورداری از سابقه پژوهشی کاربردی و نظری مرتبط، قبولی در مصاحبه عمومی و علمی و تسلط به حداقل یک زبان خارجی از دیگر شرایط جذب در این فراخوان است. لازم است متقاضیان در فرم درخواست، نوع همکاری اعم از تمام‌وقت یا پاره‌وقت و حضوری یا غیرحضوری را اعلام کنند. یادآور می‌شود پس از ارزیابی و بررسی درخواست‌ها توسط پژوهشگاه، با پژوهشگران حائز شرایط تماس گرفته می‌شود. همچنین متقاضیانی که سابقه همکاری با پژوهشگاه قوه قضائیه و فعالیت پژوهشی مرتبط با معضلات قوه قضائیه را داشته باشند امتیاز جداگان‌ای در نظر گرفته می‌شود. پژوهشگران علاقه‌مند می‌توانند فرم درخواست همکاری را از سایت پژوهشگاه به نشانی www.ijri.ir دریافت کرده و همراه کارنامه علمی- پژوهشی خود تا ۱۵ مهر به ایمیل پژوهشگاه قوه قضائیه به نشانی Farakan@ijri.ir ارسال کنند.

سیاست

اروپا بدون گام سوم هزینه نمی‌کند

ایران با برداشتن دو گام در کاهش تعهدات برجامی محاسبات آمریکا و اروپا را به‌هم ریخته است، اما شواهد نشان می‌دهد بدون گام سوم طرف غربی پیشنهادهای ایران را اجرایی نمی‌کند



زمانی که رئیس‌جمهور آمریکا هنوز داغ بود و تازه کار، گمان می‌کرد با خروج از برجام و با تهاجم همه‌جانبه به اقتصاد ایران، می‌تواند به‌سرعت حاکمیت ایران را زمین گیر کند و مسئولان را وادار به کنار آمدن با میز جدید مذاکراهی کند که از مدت‌ها پیش برای ایران آماده شده بود. این نگاه در کاخ سفید آن قدر تقویت شده بود که حتی بولتن هم یقین کرده بود مردم ایران چهلمین سالگرد انقلاب خود را نخواهند دید که بخواهند آن را جشن بگیرند. ۱۸ اردیبهشت‌ماه ۹۷ در شرایطی ترامپ از برجام خارج شد که گمان می‌کرد ایران به برجام به‌عنوان یک توافق حیثیتی نگاه خواهد کرد و هیچ‌گاه و تحت هیچ شرایطی از آن خارج نخواهد شد، همین هم بود که باعث شد او هم‌زمان نه‌تنها تحریم‌ها را برگرداند بلکه با راهبرد فشار حداکثری تلاش کند فروش نفت ایران را به صفر برساند و علاوه‌بر آن با اخلال در اقتصاد ایران، تسریع کننده ورشکستگی و فروپاشی شود. اگر بخواهیم این وضعیت را با یک دسته‌بندی مشخص توضیح دهیم باید حداقل سه روایت مشخص را بیان کنیم.

اول: نگاه ترامپ به ایران در بهار ۲۰۱۸

اینکه در ابتدای متن واژه رئیس‌جمهور تازه‌کار آمریکا ذکر شد و البته ابایی هم وجود ندارد که ترامپ را یک متوهم تمام‌عیار توصیف کنیم، مبتنی بر یک‌سری شواهد و وقایع عینی است. به چند عنوان مهم آن دقت کنید. ۱- ترامپ گمان می‌کرد شرطی شدن مردم ایران به برجام و مذاکره آن قدر تشدید شده که با خروج آمریکا از توافق، چالش درونی ایجاد شده و مردم به حاکمیت معترض می‌شوند، ۲- او تصور این را داشت که بازگشت تحریم‌ها آواا اقتصاد ایران را با چالش عظیمی مواجه می‌کند و ثانیاً نارضایتی گسترده‌ای را میان مردم به وجود می‌آورد و در نتیجه آنها را به جان حاکمیت و دولت خواهد انداخت؛ چنانکه وقایع دی‌ماه ۹۶ هم چنین توهمی را جدی و قابل تحقق نشان می‌داد و ۳- ایران، برجام و بقای آن را حیثیتی می‌داند، لذا پایبندی دائم و همیشگی به آن خواهد داشت. از این‌رو امکان بازی با برجام برای آمریکا فراهم است و هرچه بخواهد می‌تواند برسر آن بی‌آورد و البته چند نکته دیگر که ذکر آنها ضروری نیست. اگر همین‌ها که مبتنی بر تعداد زیادی اقدام و اظهارنظر مقامات کاخ سفید ذکر شده بررسی شوند به‌سرعت نتیجه‌ای جز متوهم‌بودن ترامپ حاصل نخواهد شد، چرا که اولاً با بازگشت تحریم‌ها اقتصاد ایران فرو نپاشید، ثانیاً صادرات نفت صفر محقق نشد، ثالثاً مردم علیه حاکمیت آشوب نکردند و دست آخر هم اینکه ایران با گام‌های ۶۰ روزه نشان داد پایبندی دائمی به برجام ندارد و آن را برای خود تابو نمی‌داند. بنابراین باید این روایت را این‌گونه جمع‌بندی کرد که ایران امروز یعنی تابستان ۲۰۱۹ در نقطه‌ای ۱۸۰ درجه مقابل انتظار ترامپ و مسئولان کاخ سفید ایستاده است و به‌عبارتی توانسته شاکله ذهنی و ساختار فکری آمریکایی‌ها را درمورد ایران به‌هم بریزد.

دوم: اقدامات ترامپ از بهار ۲۰۱۸ تا بهار ۲۰۱۹

اگر بخواهیم درمورد اقدامات آمریکا در این برهه یک‌ساله یا به‌عبارت بهتر، یک‌سال و چند ماه اشاره کنیم، باید دو دسته اقدام را به‌صورت مشخص بررسی کنیم؛ اقداماتی که مبتنی‌بر همان نوع نگاه و المان‌های ذهنی ترامپ به ایران انجام می‌شد و او امیدوار بود بتواند نتایج بسیار گسترده‌ای از آنها بگیرد. اول اقدامات سیاسی و دوم اقتصادی که البته هر دو همراه و توأمان با هم و بسیار درهم‌تنیده به ایران فشار آورده می‌آورد.

الف - اقدامات سیاسی: اگر قانون محدودیت ویزا و امثالها را فاکتور بگیریم، خروج از برجام اولین و بزرگ‌ترین اقدام سیاسی ترامپ علیه ایران بود. بعد از آن او به‌دنبال فشار بر اروپا برای عدم همکاری با ایران رفت و از آنها خواست که او را در افزایش فشار بر ایران و طرح مذاکرات برجام ۳ و ۳ روی مسائلی چون صنایع دفاعی ایران و مسائل منطقه‌ای همراهی کنند، هدفی که البته تا حدودی برای آمریکا حاصل شد. ترامپ و همکارانش در کاخ سفید در گام **سوم** آن به‌سراغ کشورهای حاشیه خلیج فارس رفتند و به‌اصطلاح روی کره عربی آنها دست گذاشتند تا بتوانند ائتلافی علیه ایران با همکاری ۶ کشور حاشیه خلیج فارس به‌اضافه اردن و مصر تشکیل دهند تا ایران را به‌نوعی در منطقه جنوبی مورد محاصره قرار دهند. البته آمریکا از این هم جلوتر رفت و عربستان و امارات را به‌عنوان جبران کنندگان کسری نفت ایران در بازار معرفی کرد و امیدوار بود این اتحاد آن قدر بزرگ و جدی باشد که ایران از خلیج فارس و دریای عمان هم از منظر استراتژیک و هم اقتصادی ناامید شود. درباره این اقدام شاید به توضیح مفصلی نیاز نباشد، چرا که آمریکایی‌ها هم

از ایجاد ائتلاف عربی علیه ایران ناکام ماندند و هم در آن بخش دوم که می‌خواستند امارات و عربستان را برای جبران نفت ایران به میدان بیاورند، تیرشان به سنگ خورد و اساساً این دو کشور نه‌تنه نتوانستند با آمریکا همراهی کنند که بعد از مدتی فرمان را سمت همسایه شمالی خود چرخاندند و دوباره به سمت توسعه همکاری‌ها با ایران حرکت کردند. **چهارمین** اقدام آنها توسعه ناامنی در ایران بود، اقدامی که بنا بود به‌صورت ناگهانی توسعه یابد و حداقل بتواند آشوب‌هایی را در نقاط مختلف ایران رقم بزند که البته معلوم و مشخص است که در این راهبرد هم آنها نتوانستند توفیقی حاصل کنند.

پنجمین اقدام آنها تورپیستی خواندن سپاه بود؛ اتفاقی که در فروردین گذشته روی داد و برخلاف آنکه آمریکایی‌ها تصور می‌کردند چنین اقدامی باعث ایجاد فاصله جدی میان مردم و حاکمیت خواهد شد و سپاه پاسداران هم در داخل و هم در منطقه منزوی می‌شود، دقیقاً عکس آن رخ داد و همبستگی داخلی تقویت شد و به تبع آن اقدامات راهبردی سپاه در مرزهای ایران و کشورهای محور مقاومت افزایش یافت. ششمین راهبرد آنها پایان دادن به یکی دو بحران نظامی در منطقه و ایجاد تمرکز بر ایران بود. آمریکایی‌ها در بدو امر فشارها بر یمن را گسترش دادند و هم‌زمان در جبهه سیاسی و نظامی تلاش کردند انصارالله را از میدان به‌در کنند یا حداقل با تصرف چند شهر استراتژیک مانند بندر الحدیده مقدمات تجزیه یمن و پایان جنگ را فراهم کنند، راهبردی که تاکنون محقق نشده و انصارالله قوی‌تر از گذشته به‌دنبال حفظ یکپارچگی یمن و عقب‌راندن عربستان و دیگر متجاوزان است.

ب- اقدامات اقتصادی: تحریم اصلی‌ترین ابزار آمریکا در بخش اقدامات اقتصادی است؛ آنها در این زمینه به فعات اقدام کردند و به‌بانه‌های مختلف افراد یا مجموعه‌هایی را مورد تحریم قرار داده‌اند. آمریکایی‌ها با خروج از برجام تحریم‌های خود را به‌سرعت برقرار کردند و همچنان که مشخص بود حتی براساس اعلام رسمی شان، دوماجره‌ای رفتار نکردند. در گام دوم آمریکا معافیت‌هایی را که به هشت کشور برای خرید نفت از ایران داده بود، تمدید نکرد و نهایتاً در سومین مرحله آنها ایده فروش نفت صفر برای ایران را عملیاتی کردند و تک‌تک با مراجعه به مشتریان نفت ایران آنها را تهدید به تحریم اقتصادی در قبال خرید نفت از ایران کردند. گام چهارم اما متفاوت بود؛ در این مرحله آنها اخلال در بازارهای واسط ارز ایران را در دستورکار قرار دادند و با مجموعه اقدامات اطلاعاتی- اقتصادی تلاش کردند با واسطه بازارهای ارزی ایران را متلاطم کنند. عملیات نوروز ۹۸ یکی از این جمله اقدامات بود که البته توفیق آجتجانی برای آنها نداشت.

پنجمین مرحله شامل عدم تمدید تعلیق تحریم‌های هسته‌ای و وارد کردن ضربه مهلک بعدی به برجام بود. آمریکایی‌ها در این قسمت برای اجرای برجام از سوسی ایران و کشورهای دیگر مانند روسیه هم اخلال ایجاد کردند و برای فروش اورانیوم غنی‌شده و آب سنگین ایران مانع تراشیدند که البته در این مسیر هم ناموفق بودند و ایران به فعالیت خود در بازار هسته‌ای جهان ادامه داد.

سوم: ورق در بهار ۲۰۱۹ برگشت

خلاصه‌امر اینکه این مجموعه اقدامات سیاسی و اقتصادی آمریکا علیه ایران در اردیبهشت گذشته به حداقل خود رسید و به قول کارشناسان مسائل تحریم، با رسیدن فشارها به سقف، تأثیر تحریم‌ها و فشارها متوقف و ابتکار عمل از دست آمریکایی‌ها گرفته شد، از این‌رو در همین شرایط ایران با طرح گام‌های ۶۰ روزه برای کاهش تعهدات خود مسیری را برای فشار به اروپایی‌ها آغاز کرد تا بتواند در این مرحله مبتکرانه عمل کرده و به‌عبارتی، تعیین کننده قواعد میدان و نتایج نهایی باشد.

تداوم این مسیر البته نتیجه واضح و آشکاری هم داشته است. اینکه از ۱۸ اردیبهشت تاکنون به‌صورت واضح و آشکار اروپایی‌ها به دست و پا افتاده‌اند تا ایران را متوقف کنند. فرانسوی‌ها حالا بیش از دو ماه است که خود را به زمین و زمان زده‌اند تا با راهکاری مانع حرکت ایران به سمت تعهدات متوازن در برجام شوند و برای آن حتی پای GV را هم به میان کشیده‌اند. البته این به آن معنا نیست که آنها اراده عمل مستقلى از خود دارند بلکه به‌واقع شرایط باعث شده که مجوز چنین مانورهایی از کاخ سفید برای مکرون صادر شود و او بتواند برخی قول‌ها را بدهد و برخی تصمیمات را بگیرد.



دومین اقدام راهبردی ایران مقابله با تهدیدات امنیتی بود. از آنجا‌که آمریکایی‌ها بنا داشتند با مانورهای نظامی پازل فشار بر ایران را کامل کنند و با تحرکات ایدایی ایران را به گوشه رینگ ببرند، ناباورانه با پاسخ ایران مواجه شدند و به‌سرعت عقب کشیدند. زند گلوبال هوک، پرنده فوق‌پیشرفته جاسوسی آمریکایی‌ها آن قدر برای کاخ سفید شوکه‌کننده بود که کل ایده عملیات روانی آنها برای نشان دادن محتمل بودن جنگ با ایران را به‌هم بریزد و نگذارد این ایده به‌عنوان یک امر قطعی یا با احتمال بالا میان کشورهای منطقه و جهان تصور شود.

سومین اقدام راهبردی ایسرام مقابله‌به‌مثل با عملیات نظامی برای به صفر رساندن فروش نفت ایران در بازارهای غیررسمی و محرمانه بود. زمانی که «گرس-یک» توقیف شد، مقامات سیاسی و نظامی در تهران می‌دانستند که فرآیندی نظامی و سخت برای جلوگیری از دور زند تحریم‌ها توسط ایران آغاز شده است، از این‌رو با پاسخی قاطع و مقابله‌به‌مثلی سریع، قطع‌کننده زنجیره‌ای بودند که اگر تداوم می‌یافت ممکن بود برای همیشه مانع خروج نفت از ایران شود و توقیف «استنا ایمپرو» به‌سرعت نشان داد که ایران در راهبرد خود برای فروش نفت جدی است و در مقابل هر اقدامی واکنش متناسب و دقیقی نشان خواهد داد. همین امر هم بود که باعث شد غرب از این ایده و هدف خود عقب بنشینند و نه‌تنها کشتی دیگری را توقیف نکند که چندی‌بعد «گرس-یک» را هم آزاد کند.

حالا چه باید کرد؟

اگر خوب توضیح داده باشم، در سطور بالا وضعیت میدانی ایران هم در اقتصاد، هم در سیاست و هم در مسائل امنیتی در سطح منطقه مشخص شده است و به‌واقع هیچ شک و شبهه‌ای در این باقی‌نمانده است که **اولاً** مسیری که یک‌سال تمام از آن با عنوان «صبر استراتژیک» یاد می‌شد و به‌واقع عقب‌نشستن و منتظر اروپا ماندن بود به غایت ناکارآمد و بی‌بهره بوده است که اگر این‌گونه نبود اینستکس تاکنون راه افتاده و حداقل تعهدات اروپایی‌ها عملیاتی شده بود. **ثانیاً** امروز برای همه اثبات شده که حرف زند با زبان قدرت در زمانی که دیپلماسی کند است یا راه آن بسته شده، می‌تواند جهش ایجاد کند و به‌واقع تنها ابزاری است که از توانمندی مقابله با زورگویی و زیاده‌خواهی مقابل کشورهایی مانند آمریکا برخوردار است.

سومین مساله اما مربوط به شرایط کنونی است، یعنی یکی دور روز باقی‌مانده تا گام سوم و دوم‌اه و دور روز تا گام چهارم. شاید بگویید شاید گام چهارمی در کار نباشد اما به‌واقع باید گفت ایران با پیش‌فرض اینکه گام چهارم را بر خواهد داشت یا اساساً با این وضعیت دیر یا زود از برجام خارج خواهد شد، باید به مذاکره با طرف غربی برود و مانند خودشان که سال‌ها به مرگ می‌گرفتند تا به تب راضی شویم، به مذاکره بپردازد و اجازه زمان خریدن و تعلل بیشتر را به آنها ندهد. ناگفته نماند ایران این مسیر را باید تا نقطه‌ای ادامه دهد که حداقل‌های خواسته‌هایش که همان فروش روزانه ۲/۵ میلیون بشکه نفت (طبق شرایط عادی، نرمال و بدون فشار تحریم،) ایجاد مسیری برای بازگشت پول نفت و باز شدن مسیر واردات کالاهای مورد نیاز است، محقق شود.

چهارمین نکته مربوط به مواضع داخلی مقامات و مسئولان دولت دوازدهم است. همچنان که در خاطره‌ها مانده، در جریان مذاکرات برجام در ایران پیام‌های متعددی به بیرون ارسال می‌شد که نه‌تنها کمک‌کننده به تیم هسته‌ای نبود بلکه‌کنندکننده سرعت آنان بود. اینکه از موضع ضعف و در جریان مذاکرات رئیس دولت بگوید خزانه کشور خالی است، یا اینکه حل شدن همه مشکلات کشور حتی آب خوردن مردم در گرو مذاکره و توافق است یا نهایتاً اینکه آمریکا آن قدر قدرت دارد که با یک بمب، سیستم دفاعی ایران را نابود سازد همگی زمین‌زنده دیپلماسی و مذاکره بوده و باید برای همیشه از چنین مواضعی فاصله گرفته شود. علاوه‌بر این، امروز اینکه مداوم تکرار کنیم آمادگی مذاکره با ترامپ را داریم چون ممکن است منافع ایران را تأمین کند، دقیقاً بازی در پازلی است که طرف مقابل می‌خواهد و همچنان که چند روز پیش تجربه شد باعث می‌شود ترامپ، مکرون و دیگر طرف‌های ایران جری شوند و گمان کنند ما نیازمند این دیدار هستیم.

آخرین مساله اما این است که گام سوم ایران چه باید باشد؟ باید گفت اگر تهران می‌خواهد اروپا را مجبور به عمل به وعده‌هایش کند باید گام سوم خود را آن قدر محکم بردارد که اروپایی‌ها احساس خطر کنند و نگران بقای برجام شوند. از این‌رو همچنان که قبلاً هم «فرهنگیستان» پیشنهاد داده از میان امکان‌های موجود، فعال کردن سایت فوردو برای غنی‌سازی صنعتی بهترین گزینه است و در کنار آن می‌توان حرکت به سمت غنی‌سازی ۲۰ درصدی یا شکستن محدودیت‌های تحقیق و توسعه یا نهایتاً توسعه تعداد سانتریفیوژها را در دستورکار قرار داد.